

ORIGINAL ARTICLE

An Analysis of the Novel Bamdaad-e Khomaar (*Dawn of Lassitude*) Based on Critical Discourse Analysis

Meisam Khalilinejad^{*1}, Negar Davari Ardakani²

1. M.A. Graduate in General Linguistics Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor of Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Correspondence:

Meisam Khalilinejad
Email: m.khalili.k@gmail.com

Received: 15/Oct/2022

Accepted: 25/Dec/2022

How to cite:

Khalilinejad, M.; Davari Ardakani, N. (2024). An Analysis of the Novel Bamdaad-e Khomaar (*Dawn of Lassitude*) Based on Critical Discourse Analysis, *Journal of Sociolinguistics*, 7 (28), 39-52.
(DOI: [10.30473/il.2023.65777.1565](https://doi.org/10.30473/il.2023.65777.1565))

ABSTRACT

In this research, we try to apply linguistics studies to the analysis of novels through critical discourse analysis. Critical discourse analysts take into consideration those elements of discourse that are hidden medium in order to preserve power hierarchy. Contrary to descriptive-formal survey of language, they contend that language can be used intentionally to support dominance, inequality and struggle against them as well. The novel Bamdad-e Khomaar (The dawn of lassitude) by Fattaneh Haj Seyyed Javadi is analyzed based on Theo Van Leeuwen's research tools namely activation and passivation, nomination and categorization, identification and functionalization, differentiation, and over determination. The research demonstrates how the analysis of the novel based on linguistic research tools, which were used in this research, can help readers to understand the opinions of the novelist regarding both social classes and women.

KEYWORDS

Dawn of Lassitude, Van Leeuwen, Gender, Critical discourse analysis, Haj Seyyed Javadi, Sociolinguistics.



Introduction

Novels are among the most popular literary genres which have been employed by different authors to indirectly express their opinions. Critical discourse analysis enables us to uncover these ideas. In this article, Van Leeuwen's research tools, which can be used to comprehend covert meanings because of its rich diversity, are applied to analyze the novel *Bamdaad-e khomaar*. Two main questions are addressed. The first one is what kind of information applying these tools can give us regarding the novelist's view about social classes. The second one is what kind of information can be understood about her view on women.

Review of literature

Critical discourse analysis has been applied to analyze Persian Novels. Part of these studies including Mirzabayati et al (2019), and Ghanbari and Frirouzian (2021) employed Fairclough's ideas. Another part including Ghanbari (2003) and Norouzi (2005) used Van Leeuwen ideas, which have been explained by Yarmouhammad (2006). What makes this research distinct is the fact that this novel is a popular novel targeting an ordinary audience while the majority of the research merely focuses on novels targeting more intellectual audience. In addition, contrary to the other research in this framework, a qualitative method has been employed.

Research Methodology

Research tools are from Van Leeuwen (2008). The first one is activation and passivation which analyzes the rate of being active and passive among the characters, which are Mahboubeh, Rahim and Mansour. So as to reach a more accurate analysis, they are examined in three different time periods. Identification and functionalization is the second research tool that analyzes whether social actors are represented through their personal identity or their roles in the society. For instance, to bold the social status of Rahim's relatives, they are represented in relation to their jobs. Another research tool is differentiation. It addresses how social actors are divided from person to person as well as from group to group. Mahboubeh often builds the image of "they" from Rahim and his relatives while she builds the image of "we" from herself and her relatives. The last tool is overdetermination. This technique is used to naturalize the behavior of social actors, and it is used a lot in this novel.

Findings

The scrutinization of the novel *Bamdaad e Khomaar* based on Van Leeuwen's model helps to achieve more accurate understandings of the text. In the analysis of activation and passivation, it is found that Mahboubeh is passivized in pleasant situations, but is activated in unpleasant ones. The analysis of overdetermination reveals transferring characters from "+contemporary" to "-contemporary" and at the same time, the existence of signals for a contemporary reader to feel as if it is also true in today's situations implies the naturalization of gender discrimination. Also, that Rahim's relatives are represented more according to their occupations serves to emphasize the unpleasant life of Rahim's relatives as these jobs are confined to low-paid ones. Finally, the analysis of differentiation shows that there is the grouping "we" and "they" in the novel.

Keywords

Dawn of Lassitude, Van Leeuwen, Gender, Critical discourse analysis, Haj Seyyed Javadi, Sociolinguistics.

«مقاله پژوهشی»

شب سراب بیارزد به بامداد آگاهی*: بررسی رمان بامداد خمار از منظر تحلیل گفتمان انتقادی

* کنایه‌ای است به جمله کلیدی رمان: شب سراب بیارزد به بامداد خمار

میثم خلیلی نژاد^۱، نگار داوری اردکانی^۲

چکیده

در این پژوهش تلاش شده است که مطالعات زبانشناختی در تحلیل رمان با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی بکار گرفته شود. تحلیل‌گران گفتمان انتقادی به بررسی آن مؤلفه‌های گفتمانی می‌پردازند که ساز و کارهای پنهان زبان در جهت حفظ سلسله مراتب قدرت می‌باشند و برخلاف بررسی‌های توصیفی-صوری از زبان، معتقدند که زبان نیت‌مند است و در جهت حفظ نابرابری‌ها و سرکوب‌ها و یا مبارزه با آنها به کار گرفته می‌شود. در این پژوهش، رمان «بامداد خمار» نوشته‌ی فتانه حاج سید جوادی براساس شاخص‌های برگرفته از ون لیوون (۲۰۰۸) شامل فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی، نام‌دهی و طبقه‌بندی کردن، هویت‌بخشی و کارکرددهی، تفکیک کردن و باردهی مضاعف مورد بررسی قرار گرفته است. با این روش آشکار می‌گردد که چگونه تحلیل رمان براساس شاخص‌های به کاررفته در این پژوهش می‌تواند به فهم خواننده از نظرات نویسنده در مورد طبقات اجتماعی و زنان یاری رساند.

واژه‌های کلیدی

بامداد خمار، ون لیوون، جنسیت، تحلیل گفتمان انتقادی، حاج سید جوادی، زبانشناسی اجتماعی.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبانشناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. دانشیار زبانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

میثم خلیلی نژاد

رایانامه: m.khalili.k@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴

استناد به این مقاله:

خلیلی نژاد، میثم؛ داوری اردکانی، نگار (۱۴۰۳). شب سراب بیارزد به بامداد آگاهی: بررسی رمان بامداد خمار از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، ۷ (۲۸)، ۳۹-۵۲. (DOI: [10.30473/il.2023.65777.1565](https://doi.org/10.30473/il.2023.65777.1565))



مقدمه

از آنجا که رمان، محبوب‌ترین گونه ادبی محسوب می‌شود، همواره مورد استفاده نویسندگان مختلف بوده است تا از این طریق به شیوه‌ای غیرمستقیم نظرات خویش را بیان نمایند. از طرف دیگر، چون موضوع آن به تصویر کشیدن زندگی روزمره است به منتقد ادبی این امکان را می‌دهد تا نظرات واقعی نویسنده را ورای اظهارنظرهای اجتماعی، سیاسی‌اش بشناسد. تحلیل گفتمان انتقادی^۱ می‌تواند در دستیابی به این هدف یاری رساند؛ زیرا به بررسی آن دسته از مولفه‌های گفتمانی می‌پردازد که ساز و کارهای پنهان زبان در جهت حفظ سلسله مراتب قدرت می‌باشند. به همین جهت، در این پژوهش تلاش شده است تا پیوند ادبیات و زبان‌شناسی از دریچه تحلیل انتقادی گفتمان ممکن گردد.

تحلیل گفتمان انتقادی بیشتر در تحلیل متون یا گفتگوهای خبری و سیاسی و نیز در حوزه متون و گفتگوهای آموزشی یا پزشکی مورد استفاده قرار گرفته است، اما به کارگیری آن در حوزه مطالعات ادبی از فراوانی کمتری برخوردار است. در واقع، از آنجا که در متون ادبی، عنصر خیالی نویسنده عامل ایجاد دنیای داستانی است، واقعیت بیرونی مشخصی وجود ندارد که نویسنده متعهد به بازتاب آن باشد. برعکس، در متون مطبوعاتی معمولاً حادثه‌ای نظیر زلزله یا تظاهرات و غیره رخ داده است که رسانه‌ها متناسب با جهت‌گیری و منافع خویش، تغییراتی در نحوه روایت آن انجام می‌دهند. یکی از الگوهای موجود در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی که می‌تواند در مطالعات ادبی مورد استفاده قرار گیرد- رویکرد ون لیوون است. این رویکرد به دلیل تنوع در ابزارهای پژوهش به خوبی می‌تواند از عهده تحلیل پیچیدگی‌های متون ادبی برآید. در این مقاله برآنیم که به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم: نخست: به کارگیری شاخص‌های پژوهش چه اطلاعاتی به ما در مورد نوع نگاه نویسنده به طبقات اجتماعی می‌دهد؟ دوم: به کارگیری شاخص‌های پژوهش چه اطلاعاتی به ما در مورد نوع نگاه نویسنده به زنان می‌دهد؟

پیشینه تحقیق

بخشی از مطالعاتی که در جهت به کارگیری تحلیل گفتمان انتقادی در زمینه مطالعات رمان رخ داده متأثر از نظریات فرکلاف بوده است. مهین میرزاییاتی و همکاران (۱۳۹۸) به

تحلیل مفهوم قدرت در رمان «روزگار سپری‌شده مردم سالخوره» از محمود دولت‌آبادی بر اساس نظرات فرکلاف پرداخته‌اند. همچنین، قنبری عبدالملکی و فیروزیان پوراصفهان‌ی (۱۴۰۰) تلاش می‌کنند کارآیی نظریه فرکلاف در تحلیل رمان سیاسی را با توجه به سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین در تحلیل رمان «چشم‌هایش» از بزرگ علوی مورد بررسی قرار دهند. بخش دیگری از این مطالعات متأثر از آرای لطف‌الله یارمحمدی در توضیح الگوی ون لیوون (۱۳۸۵) بوده است. لیلا قنبری (۱۳۸۲) از الگوی جامعه‌شناختی- معنایی ون لیوون استفاده می‌نماید تا تفاوت تعداد ساختارهای گفتمان‌مدار داستان‌های کوتاه معاصر بزرگسالان را در مقایسه با داستان‌های نوجوانان بررسی نماید. فاطمه نوروزی (۱۳۸۴) نیز براساس الگوی مشابه، به بررسی نحوه بازنمایی شخصیت زن در رمان «رقصدگان» از امین فقیری می‌پردازد. ایشان با استفاده از نتایج حاصل از تحلیل کمی شاخص‌ها، مواردی را نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای گفتمان‌مدار در جهت تضعیف ضمنی موقعیت زنان به کار می‌رود. آنچه این پژوهش را از بررسی‌های پیشین متمایز می‌کند این است که اولاً رمان بامداد خمار نوشته حاج سید جوادی (۱۳۷۴) یک رمان عامه‌پسند به شمار می‌آید که تاکنون به چاپ شصت و دوم رسیده است، درحالی‌که در مطالعات دیگر بیشتر به بررسی آثاری می‌پردازند که برخوردار از ویژگی‌های سبکی غنی و متعلق به نویسندگان مطرح باشند. این پژوهش سعی در جبران این نقیصه را داشته است. همچنین، برخلاف دیگر پژوهش‌های انجام‌گرفته براساس این الگو، در پژوهش حاضر از روش تحلیل کیفی استفاده شده است. تحلیل کیفی از این جهت مورد کاربرد قرار گرفته که خود ون لیوون (۲۰۰۸:۳۱) معتقد است اگر چه روش‌های آماری می‌توانند اطلاعاتی در مورد متن را در اختیار بگذارند، الگوی پیشنهادی او را نمی‌توان بر اساس این آمارهای کمی به کار گرفت؛ زیرا مشخصات اصلی و کلی متن از این طریق قابل دسترسی نیستند. یارمحمدی (۱۳۸۳:۱۷۷) نیز اعتقاد دارد در تحلیل متون، تحلیل کیفی از منظر تحلیل انتقادی گفتمان از اولویت بیشتری برخوردار است. از این رو، از نظر نویسندگان این مقاله، تحلیل کیفی همخوانی بیشتری با ماهیت پژوهش در چارچوب الگوی ون لیوون دارد.

چارچوب نظری و شاخص‌های پژوهش

نگاه انتقادی به زبان در تقابل با رویکرد ساختارگرایانه به

همه‌ی ابعاد گفتمان که گزینش متغیرها را مجاز می‌شمارند در معرض چنین اشکال کنترلی قرار دارند و قدرت یا بی‌قدرتی مشارک مستقیماً به میزان کنترل آن‌ها بر روی این متغیرهای گفتمان مربوط می‌شود» (ون دایک، ۱۹۲:۱۳۸۲)

نکته حائز اهمیت این است که نباید شاخص‌های تحلیل گفتمان انتقادی را محدود به موارد موجود نمود و مهم‌تر این که نباید در به‌کار بستن آنها معیار ثابتی را مدنظر قرارداد؛ برای مثال وقتی که کارگزاران اجتماعی بر اساس کارکرد و نقش اجتماعی‌شان بازنمایی می‌شوند و نه بر اساس نسبت‌شان با یکدیگر، می‌تواند به این معنا باشد که نویسنده از این طریق در نظر داشته تا اعتبار بیشتری به آنها ببخشد. اگر چه این تحلیل معمولاً صادق است، با این حال معنی این که تحلیل گفتمان انتقادی یک روش تحقیق متعین نیست، متضمن این پیام است که ممکن است در حالتی حتی بازنمایی افراد از طریق نقش و کارکرد اجتماعی‌شان به منظور تلاش برای به حاشیه راندن‌شان باشد که در قسمت مربوط به این تحلیل در مقاله توضیح داده شده است. اشاره به این نکته از این جهت در خور توجه است که غالباً با مغفول ماندن این نکته، تحلیل گفتمان انتقادی همانند دیگر روش‌های تحلیل و تحقیق مدنظر قرار گرفته است. در این جا به بررسی اجمالی این شاخص‌ها می‌پردازیم.

فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی^۳

در بازنمایی، کارگزاران اجتماعی به دو صورت فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی آرایه می‌شوند. در اولی، کارگزار اجتماعی به صورت فعال و عامل کنش معرفی می‌گردد، اما در دومی به صورت منفعل و پذیرنده کنش نشان داده می‌شود. ون لیوون معتقد است که فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی با استفاده از تقسیم‌بندی‌های هالییدی (۱۹۸۵) می‌توانند از طریق نقش‌های مشارکتی مشخص شوند؛ به این معنا که کارگزاران اجتماعی فعال‌نمایی شده ممکن است به‌صورت کنشگر، رفتارگر، حس‌گر، گوینده و حامل / شناسنده بازنمایی شوند. بررسی این شاخص به روش‌های مختلف مدنظر تحلیل‌گران گفتمان انتقادی (فرکلاف، ۱۹۸۹؛ فاولر ۱۹۹۱) بوده است؛ اما، ون لیوون ژرف‌ساختی جامعه‌شناختی - معنایی برای آن قایل است. برای مثال، وقتی یک شخصیت زن در محیط خانه و حین انجام کار خانه فعال‌نمایی می‌شود، بار تحلیلی متفاوتی دارد نسبت به زمانی که در جامعه و حین انجام نقش‌های

زبان فهمیده می‌شود که بخصوص پس از نظریات سوسور، در قالب مکاتب مختلف پیگیری شد. به طور خلاصه، تحلیل‌گران گفتمان انتقادی بر این باورند که زبان همواره از کارکردهای پوشیده‌ای برخوردار است که در جهت حفظ منافع یا مواضع گروه‌های خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ از این رو، نگاه صوری در بررسی زبان کفایت نمی‌کند.

با وجود تفاوت در سبک پژوهش، تمامی تحلیل‌گران گفتمان انتقادی تلاش می‌کنند تا نقش گفتمان در تولید و باز تولید روابط قدرت در درون ساختارهای اجتماعی را مشخص سازند. در این شیوه تحلیل به‌ویژه بر روش‌هایی تأکید می‌کنند که از طریق آنها، گفتمان، نابرابری‌های اجتماعی را حفظ می‌کند یا مشروعیت می‌بخشد. فرکلاف معتقد است که "از جمله خصایص یک صورت‌بندی ایدئولوژیک - گفتمانی مسلط، توان آن در طبیعی کردن ایدئولوژی‌هاست، یعنی می‌تواند برای ایدئولوژی‌ها به عنوان مواردی از "عقل سلیم" غیر ایدئولوژیک مقبولیت کسب کند." (فرکلاف، ۲۵:۱۳۸۷)

به طور خلاصه، براساس این دیدگاه، در هر متن، سازوکارهای گفتمان‌مداری حضور دارد که تغییر در آن می‌تواند مستلزم القانات غیرمستقیم در جهت منافع نویسنده به خواننده باشد. با وجود این که تلاش می‌شود این نوع سازوکارهای گفتمان‌مدار طبیعی، مشروع و ناخواه‌گاه جلوه نمایند، دقت در مطالعه متون آشکار می‌سازد که همواره در جهتی به کار رفته‌اند که متضمن همسویی با جهت‌گیری‌ها و منافع طبقاتی خاصی بوده‌اند؛ برای مثال یک روزنامه دست راستی در جهت منافع طبقه متوسط و یک روزنامه دست چپی در جهت منافع طبقه کارگر از این ابزارها استفاده کرده‌اند. به نمونه‌هایی از این ابزارهای گفتمان‌مدار در قسمت بعدی اشاره شده است.

شاخص‌های پژوهش

شاخص‌های پژوهش برگرفته از آرای ون لیوون^۱ (۲۰۰۸) است. چهره‌های شاخص تحلیل گفتمان انتقادی همواره تأکید کرده‌اند که تحلیل گفتمان انتقادی در تحلیل متون یک روش مشخص همانند روش‌های دیگر نیست. هر متغیر گفتمانی که در جهت حفظ مناسبات قدرت مورد بهره برداری قرار گرفته است، می‌تواند به عنوان یک شاخص تحلیل گفتمان انتقادی در نظر آید. ون دایک^۲ می‌گوید: «بنابراین

1. Van Leeuwen

2. Teun A. Van Dijk

3. activation and passivation

نیز دارای انواع مشخصی است که نسبت به هم از وجه انتقادی برخوردارند. مثلاً در نام‌دهی زنان معمولاً به وضعیت تأهل‌شان نیز اشاره می‌شود، در صورتی که در مورد مردان این‌گونه نیست. طبقه‌بندی کردن نیز خود انواع مختلف دارد که در قسمت بعدی به آن اشاره می‌شود.

هویت‌بخشی و کارکرد بخشی^۲

بین دو نوع از طبقه‌بندی کردن باید تمایز قائل شد. نخست طبقه‌بندی کردن نسبی- هویتی و دیگری طبقه‌بندی کردن کارکردی است. در طبقه‌بندی کارکردی، افراد بر اساس آنچه که انجام می‌دهند بازنمایی می‌شوند؛ مثلاً پزشک، نقاش، نویسنده و...؛ اما در طبقه‌بندی نسبی- هویتی، افراد بر اساس نقش و کارکرد اجتماعی‌شان معرفی نمی‌شوند. طبقه‌بندی کارگزاران اجتماعی بر اساس ویژگی نسبی- هویتی انواع مختلفی را در برمی‌گیرد، اما به‌طور عمومی در این نوع طبقه‌بندی افراد بر اساس آنچه که هستند و نه بر اساس آنچه که انجام می‌دهند بازنمایی می‌شوند. ون لیون سه نوع مختلف این نوع بازنمایی را بر می‌شمرد: ۱- هویت‌بخشی براساس نوعی کردن ۲- هویت‌بخشی بر اساس نسبت ۳- هویت‌بخشی بر اساس مشخصات فیزیکی (ون لیون، ۱۳۸۷: ۵۴).

در نوع اول، افراد براساس سن، نژاد، مذهب، وضعیت مالی و... طبقه‌بندی می‌شوند مانند مسلمانان، جوانان یا ثروتمندان. در نوع دوم بر اساس نسبت‌شان با یکدیگر مانند پدر و دختر و... و در نوع سوم بر اساس مشخصات فیزیکی‌شان نظیر یک مرد سبیل‌گفت.

این‌که افراد بر اساس نقش و کارکرد اجتماعی بازنمایی می‌شوند یا بر اساس طبقه‌بندی نسبی- هویتی دارای بار انتقادی است؛ زیرا که بازنمایی نوع اول می‌تواند اعتبار بیشتری برای افراد به همراه بیاورد.

تفکیک کردن^۳

در بازنمایی کارگزاران اجتماعی، گاهی اوقات و در بعضی متون، آنها از یکدیگر جدا و تفکیک می‌شوند. در واقع متن تلاش می‌کند که افراد را تبدیل به «خودی» و «غیرخودی» کند (ون لیون: ۵۲). این شاخص، معمولاً در بروز زبانی‌اش به صورت کلی «ما» و «آنها» رخ می‌دهد و بدین گونه یک

اجتماعی فعال‌نمایی می‌شود. به همین دلیل، با توجه به ساختار رمان، نمی‌توان این شاخص را به‌صورت کلی و یکپارچه استفاده نمود و باید تغییراتی در نوع به‌کارگیری آن اعمال نمود. برای مثال، در رمان «بامداد خمار» بین زمانی که راوی مستقیماً سخن می‌گوید و موقعیتی که به‌صورت مکالمه بین شخصیت‌ها رخ می‌دهد تفاوت وجود دارد. همچنین، باید به این نکته توجه داشت که مکالمه بین کدام شخصیت‌ها صورت می‌گیرد و نیز مکالمه‌ها در سه دوره زمانی مختلف مدنظر قرار گرفتند. علاوه بر این، شاخصی به نام فعال‌نمایی عمومی طراحی و مورد استفاده قرار گرفته است و آن را از مواردی که حیطه کنش منتسب به دو شخصیت اصلی مثلاً رحیم و محبوبه نمی‌باشد، جدا شده است. این شاخص تنها به تحلیل موقعیت‌هایی می‌پردازد که این دو شخصیت در مواجهه و نسبت به یکدیگر قرار ندارند. برای مثال، جمله (رحیم دو کیلو گوشت خرید). هیچ ارتباطی به محبوبه ندارد بلکه رحیم به‌صورت عمومی فعال‌نمایی شده است. صرفاً در این صورت است که می‌توان به تحلیل دقیق‌تری در نسبت این شاخص با رمان‌ها دست یافت. به همین دلایل است که در بررسی این رمان، این شاخص جمعا در دوازده جدول مختلف بررسی شده است، در حالیکه معمولاً این شاخص بصورت کلی و در قالب یک جدول مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تقسیم‌بندی‌ها در بخش سوم در قالب جدول و مثال ارایه شده است.

نام‌دهی و طبقه‌بندی کردن^۱

می‌توان کارگزاران اجتماعی را بر اساس نام‌شان (نام‌دهی) یا بر اساس نسبت‌شان با یکدیگر و صفت خاصی که دارا هستند و همچنین بر اساس نقش و کارکرد اجتماعی‌شان بازنمایی کرد (طبقه‌بندی کردن) (ون لیون ۲۰۰۸: ۵۲). این‌که در هر روایتی، کدام کارگزاران اجتماعی با هویت و نام مشخص بازنمایی می‌شوند و کدام نمی‌شوند، دارای بار انتقادی است؛ زیرا که نام‌نبردن از کارگزاران اجتماعی، آنها را در موقعیت حاشیه‌ای قرار می‌دهد. برای مثال، ون لیون (همان) ذکر می‌کند که یک روزنامه طرفدار طبقه متوسط صرفاً افراد با سطح بالایی اجتماعی یا یک وزیر دولتی را با هویت و نام مشخص‌شان ذکر می‌کند، اما یک روزنامه طرفدار طبقه کارگر، در خبری در مورد موضوع مشابه، بیشتر از مردم عادی با ذکر نام و هویت مشخص‌شان یاد می‌کند. شایان توجه است که خود نام‌دهی

2. identification and functionalization

3. Differentiation

1. Nomination and Categorization

مبارزه برای یافتن یک زندگی مطلوب با رحیم را آغاز می‌کند اما نتیجه نمی‌دهد و پس از یک دعوی شدید که رحیم محبوبه را خیلی سخت کتک می‌زند، محبوبه از خانه فرار می‌کند. پیش از این، پسر محبوبه در حال بازی در حوض آب غرق می‌شود و می‌میرد و یک بار هم محبوبه چون دیگر زندگی با رحیم را دوست نداشت، دست به سقط جنین می‌زند و پس از آن نازا می‌شود. پس از جدایی از رحیم، محبوبه با پسر عمویش (منصور) ازدواج می‌کند، در حالی که منصور یک زن دیگر (نیمتاج) نیز دارد که البته آبله‌رو است. تلاش‌های محبوبه برای بچه‌دار شدن دوباره ناکام می‌ماند. با وجود تردیدهای اولیه، محبوبه زندگی آرام و مطلوب خویش را در کنار منصور پیدا می‌کند.

فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی

در این بررسی میزان کنش‌گری و کنش‌پذیری شخصیت‌های رمان بررسی می‌شود و از مقایسه آماری آن می‌توان به تحلیل‌هایی در ارتباط با دیدگاه‌های نویسنده و فرم زبانی او دست یافت. شخصیت‌های مورد بررسی در این پژوهش، محبوبه، رحیم و منصور هستند. به خاطر این‌که از طریق این شاخص به تحلیل دقیق‌تری راجع به رمان دست یابیم، سه دوره مختلف از رمان انتخاب شده‌اند:

۱. بعد از ازدواج و تا هنگامی که رابطه رحیم و محبوبه خوب است؛ (حاج سید جوادی، ۱۳۸۹: ۱۸۳-۲۰۶)
 ۲. وقتی رابطه محبوبه و رحیم بحرانی می‌شود. (همان: ۳۴۹-۲۰۷)
 ۳. زندگی مشترک محبوبه و منصور. (همان: ۴۰۳-۴۳۷)
- این دوره‌های مختلف با چهار شاخص جزئی‌تر نیز تحلیل می‌شوند که در جدول‌های زیر قابل مشاهده است.

بررسی دوره اول:

جدول ۱. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی رحیم و محبوبه در مکالمه بین آنها از زبان محبوبه

تعداد	شخصیت
۸	فعال‌نمایی رحیم
۲	منفعل‌نمایی رحیم

مثال‌ها:

فعال‌نمایی رحیم:

این طوری بیشتر زجر کشم می‌کنی. (همان: ۱۹۰)

مرا ترساندی. (همان: ۱۹۰)

کارگزار اجتماعی مشخص یا یک گروه از کارگزاران اجتماعی از دیگران تفکیک می‌شوند و نسبت به آنها «غیرخودی» به حساب می‌آیند.

باردهی مضاعف^۱

باردهی مضاعف وقتی صورت می‌گیرد که کارگزاران اجتماعی در آن واحد در بیش از یک کنش اجتماعی مشخص درگیر باشند (ون لیوون: ۶۱). برای مثال، در یک داستان، نویسنده ممکن است به توصیف اتفاقاتی بپردازد که برای یک خانواده رخ می‌دهد که زمان حوادث مربوط به دویست سال پیش باشد، با این حال از نوع رفتار افراد در داستان این گونه استنباط می‌شود که حوادث مربوط به زمان حال است. به بیان دیگر، شخصیت‌های داستان از منظر موقعیت زمانی و مکانی روایت از «+معاصر» به «- معاصر» منتقل شده‌اند، با این وجود همچنان رفتارهای آنها امروزی است. از این تکنیک، در ادبیات داستانی بهره زیادی گرفته شده است. ون لیوون معتقد است که این تکنیک در خدمت «مشروع» و «طبیعی» جلوه‌دادن کنش‌های اجتماعی است. البته ناگفته نماند که از این تکنیک برای فرار از سانسور نیز می‌توان استفاده کرد.

بررسی رمان بامداد خمار

خلاصه رمان

شخصیت اصلی داستان محبوبه است که تعلق به خانواده‌ای ثروتمند و بسیار محترم دارد. داستان به صورت فلاش‌بک از زبان محبوبه برای سودابه، برادرزاده‌اش، روایت می‌شود. سودابه در آستانه تصمیم‌گیری برای ازدواج است و محبوبه با روایت زندگی خود، قصد کمک به او را دارد. محبوبه بر خلاف سنت خانوادگی‌اش و با وجود خواستگاران ثروتمند و با منزلت اجتماعی بالا از جمله منصور (پسرعمویش)، عاشق یک شاگرد نجار سر محل‌شان (رحیم) می‌شود. پس از مقاومت‌های شدید، سرانجام محبوبه موفق می‌گردد خانوادهاش را راضی به ازدواج خود با رحیم کند. پدر محبوبه به خاطر این ازدواج، رابطه خانوادهاش را با محبوبه قطع می‌کند و صرفاً خرجی ماهانه‌اش را برایش می‌فرستد. پس از یک دوره کوتاه بعد از ازدواج، رابطه رحیم و محبوبه به شدت بحرانی می‌شود و رحیم و مادرش، که با آنها زندگی می‌کند، بسیار زشت و خشن با محبوبه برخورد می‌کنند. محبوبه

1. Overdetermination

منفعل‌نمایی رحیم:

من تو را می‌خواهم نه گوشواره را. (همان: ۱۹۰)
من از تو هیچ نمی‌خواهم. (همان: ۱۹۱)

جدول ۲. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی رحیم و محبوبه در مکالمه بین آنها از زبان رحیم

تعداد	شخصیت
۴	فعال‌نمایی محبوبه
۱۴	منفعل‌نمایی محبوبه

فعال‌نمایی محبوبه:

می‌خواهی دل مرا آب کنی. (همان: ۲۰۵)
بیرونم می‌کنی. (همان: ۱۸۴)

منفعل‌نمایی محبوبه:

الان خودم درمانت می‌کنم. (همان: ۲۰۴)
دل‌م می‌خواهد اذیتت کنم. (همان: ۲۰۴)

جدول ۳. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی عمومی رحیم و محبوبه در مکالمه بین آنها از زبان رحیم

تعداد	شخصیت
۳۱	فعال‌نمایی رحیم
۹	منفعل‌نمایی رحیم
۲۱	فعال‌نمایی محبوبه
۵	منفعل‌نمایی محبوبه

لازم به ذکر است که شاخص فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی عمومی به موقعیت‌هایی می‌پردازد که رحیم و محبوبه در مکالمه با یکدیگر قرار دارند؛ اما در مورد رفتارهایی که نسبت به هیچ کدامشان نیست.

فعال‌نمایی رحیم:

ولی اول باید به این دکان سر و سامان بدهم. (همان: ۱۸۵)

اول باید کمی وسیله بخرم. (همان: ۱۸۴)

منفعل‌نمایی رحیم:

مادرم برایم گرفته. (همان: ۱۹۰)

[یکی از نجارها] جزیی از آن کارها را به من سپرده. (همان: ۱۹۵)

فعال‌نمایی محبوبه:

اگر دوست‌شان (النگوها) داری، پولش را به مادرم می‌دهم. (همان: ۱۹۱)

دل‌م می‌خواهد اذیتت کنم تا گریه کنی. (همان: ۲۰۵)

منفعل‌نمایی محبوبه:

آقاچانت برای تو داده. (همان: ۱۹۱)
شاید دایه‌ات حرفی زده. (همان: ۱۹۱)

جدول ۴. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی عمومی رحیم و محبوبه در مکالمه بین آنها از زبان محبوبه

تعداد	شخصیت
۱۳	فعال‌نمایی محبوبه
۴	منفعل‌نمایی محبوبه
۱۲	فعال‌نمایی رحیم
۱	منفعل‌نمایی رحیم

فعال‌نمایی محبوبه:

من می‌خواستم بلند شوم. (همان: ۱۸۳)

شاید من حرفشان (مادر رحیم) را به منظور برداشتم. (همان: ۱۸۳)

منفعل‌نمایی محبوبه:

خدا مرگم بدهد. (همان: ۱۸۳)

نشیدیدی مادرت صبح چه گفت. (همان: ۲۰۵)

فعال‌نمایی رحیم:

اگر تو شام نخوری. (همان: ۱۸۹)

مثل این که با مادرت جرو بحث داشتید. (همان: ۲۰۵)

منفعل‌نمایی رحیم:

ولی چرا (دایه) با ریخت مرتب نبیندت. (همان: ۲۰۳)

از یافته‌های این جدول‌ها استنباط می‌شود که در دوره اول رحیم مسلط به محبوبه است. رابطه این دو عاشقانه است و محبوبه نیز با زندگی خویش سازگازتر است. اما چهار جدول فوق صرفاً در مقایسه با دوره‌های دیگر معنادار می‌شوند.

بررسی دوره دوم:

جدول ۵. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی محبوبه در مکالمه بین رحیم و محبوبه از زبان رحیم

تعداد	شخصیت
۶۷	فعال‌نمایی محبوبه
۴۳	منفعل‌نمایی محبوبه

فعال‌نمایی محبوبه:

خسته‌ام کردی. (همان: ۲۳۹)

خوب، مرا می‌خواستی. (همان: ۳۷۶)

منفعل‌نمایی محبوبه:

مگر روزی که من تو را دیدم. (همان: ۲۳۸)

دل‌م می‌خواهد سیر تماشايت کنم. (همان: ۲۱۷)

فعال‌نمایی محبوبه:

خودم هم دختره را دم دکان دیدم. (همان: ۳۲۶)
انداختمش (بچه را) چون دلیل داشتم. (همان: ۲۸۹)

منفعل‌نمایی محبوبه:

شماها دیوانه‌ام کرده‌اید. (همان: ۳۲۶)

کی گفته، مادرت که می‌گوید اجاق من کور است.
(همان: ۳۲۶)

فعال‌نمایی رحیم:

بر می‌داری خط می‌نویسی می‌بری میدی به این دختره
که شکل جغد است. (همان: ۳۰۰)

قرار بود شاگرد بگیری. (همان: ۲۳۶)

منفعل‌نمایی رحیم:

خودم هم دختره را دم دکان دیدم که با تو لاس می‌زد.
(همان: ۳۲۶)

همان معصومه خانم را که گرفتی برایت خانه هم
می‌آورد. (همان: ۳۲۷)

مهمترین نکته‌ای که از بررسی جدول‌های دوره دوم استنباط می‌شود میزان بالای فعال‌نمایی محبوبه است. این افزایش در میزان فعال‌نمایی محبوبه از دوره اول به دوره دوم معنادار است و اتفاقی نیست. در دوره دوم به تدریج حس مقاومت محبوبه برانگیخته می‌شود و محبوبه خیلی زود تلاش برای تغییر وضع خویش را آغاز می‌کند؛ اگر چه شاید در ظاهر خط سیر داستان در بعضی مواقع این حس مقاومت و تلاش مشهود نباشد. شاخص فعال‌نمایی محبوبه نشانگر ناراضی بودن از وضعیت خویش و مهم‌تر این‌که نشانگر تلاش او برای تغییر دادن وضعیت زندگی خویش است؛ از این رو، نمایانگر تلاش نویسنده رمان برای پرهیز از به تصویر کشیدن سیمای سنتی از زن است؛ اما میزان بالای فعال‌نمایی محبوبه از زبان رحیم، نیازمند تفسیر دیگری نیز هست؛ آن این است که محبوبه در مورد یک وضعیت ناخوشایند فعال‌نمایی می‌شود. در واقع، موقعیت‌های ترسیم‌شده نامطوبعی وجود دارند که خود محبوبه آنها را به وجود آورده است؛ حال آنکه محبوبه در موقعیت‌های مطبوع به این میزان فعال‌نمایی نمی‌شود. در دوره دوم، رابطه رحیم و محبوبه به شدت آزردهنده و خراب است؛ دائم با هم جروب‌بحث دارند، کار به کتک‌کاری می‌کشد و ... این شاخص بیانگر آن است که محبوبه مقصر است.

جدول ۶. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی رحیم در مکالمه بین رحیم و محبوبه از زبان محبوبه

تعداد	شخصیت
۲۰	فعال‌نمایی رحیم
۲۷	منفعل‌نمایی رحیم

فعال‌نمایی رحیم:

خوب است که دانسته مرا گرفتی. (همان: ۲۱۵)
زنت را گذاشته‌ای رفته‌ای. (همان: ۲۲۴)

منفعل‌نمایی رحیم:

دیگر نمی‌خواهم حتی ریختت را هم ببینم. (همان: ۲۶۷)
آنقدر شیرین هستی که نمی‌شود لوست کرد. (همان: ۲۲۴)

جدول ۷. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی عمومی رحیم و محبوبه از زبان رحیم در مکالمه با محبوبه

تعداد	شخصیت‌ها
۱۰۲	فعال‌نمایی رحیم
۱۰	منفعل‌نمایی رحیم
۱۳۱	فعال‌نمایی محبوبه
۶	منفعل‌نمایی محبوبه

فعال‌نمایی رحیم:

یکی دو دفعه با آن‌ها رفته‌ام عرقخوری. (همان: ۳۲۷)
حیف که باید بروم. (همان: ۳۰۶)

منفعل‌نمایی رحیم:

حالا این بابا آمده کار مرا دیده. (همان: ۳۳۲)
می‌خواهم هر چه کار به من می‌دهند یک سوم آن را به تو بدهم (نچار به رحیم). (همان: ۳۳۳)

فعال‌نمایی محبوبه:

خودت که دیدی (معصومه را). (همان: ۳۲۷)
اگر دلت می‌خواهد خانه را گرو بگذاری. (همان: ۳۲۴)

منفعل‌نمایی محبوبه:

مردم بهت می‌خندند. (همان: ۳۳۰)
همان که با اردنگی از خانه بیرون رفت کرد (پدر محبوبه).
(همان: ۳۳۷)

جدول ۸. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی عمومی رحیم و محبوبه از زبان محبوبه در مکالمه با رحیم

تعداد	شخصیت‌ها
۵۳	فعال‌نمایی محبوبه
۳	منفعل‌نمایی محبوبه
۷۴	فعال‌نمایی رحیم
۲	منفعل‌نمایی رحیم

بررسی دوره سوم:

جدول ۹. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی منصور و محبوبه در مکالمه بین آنها از زبان منصور

شخصیت	تعداد
فعال‌نمایی محبوبه	۲۵
منفعل‌نمایی محبوبه	۲۱

فعال‌نمایی محبوبه:

تو مرا هم بیچاره کردی محبوبه. (همان: ۴۲۷)

و می‌دانستم مرا در ته دلت می‌خواهی. (همان: ۴۲۲)

منفعل‌نمایی محبوبه:

نصف آن قدری که من تو را می‌خواهم. (همان: ۴۲۵)

دل‌م می‌خواست اختیارت را داشتم. (همان: ۴۲۸)

جدول ۱۰. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی منصور و محبوبه در مکالمه بین آنها از زبان محبوبه

شخصیت	تعداد
فعال‌نمایی منصور	۸
منفعل‌نمایی منصور	۱۹

فعال‌نمایی منصور:

کاش آن روز تو باغ به زور کتک مرا می‌پردی. (همان: ۴۳۶)

اگر هنگامی که با غضب بر سرم فریاد می‌کشی. (همان: ۴۲۶)

منفعل‌نمایی منصور:

من آن شب‌ها اصلاً به فکر تو نبودم. (همان: ۴۰۴)

اگر شب‌ها تو را به خواب دیدن عشق نیست. (همان: ۴۲۶)

جدول ۱۱. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی عمومی منصور و محبوبه در مکالمه بین آنها از زبان منصور

شخصیت‌ها	تعداد
فعال‌نمایی منصور	۶۴
منفعل‌نمایی منصور	۱۷
فعال‌نمایی محبوبه	۲۸
منفعل‌نمایی محبوبه	۴

فعال‌نمایی منصور:

به شاه عبدالعظیم رفتم. (همان: ۴۲۸)

نیمتاج را از پدرش خواستگاری کردم. (همان: ۴۲۹)

منفعل‌نمایی منصور:

(نیمتاج) با ترحم به من نگاه می‌کرد. (همان: ۴۲۹)

(پدر نیمتاج) سخنان عارفانه برایم می‌گفت. (همان: ۴۲۸)

فعال‌نمایی محبوبه:

همان موقع که از روی آتش می‌پریدی. (همان: ۴۰۴)

می‌بینم که خوب با نیمتاج می‌سازی. (همان: ۴۲۷)

منفعل‌نمایی محبوبه:

خدا لعنتت کند محبوبه. (همان: ۴۲۹)

آدم باید خیلی بی‌ذوق باشد که تو را کتک بزندی. (همان: ۴۳۶)

جدول ۱۲. فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی عمومی منصور و محبوبه در مکالمه بین آنها از زبان محبوبه

شخصیت‌ها	تعداد
فعال‌نمایی محبوبه	۴۸
منفعل‌نمایی محبوبه	۶
فعال‌نمایی منصور	۱۸
منفعل‌نمایی منصور	۱

فعال‌نمایی محبوبه:

هفت سال با او (رحیم) زندگی کردم. (همان: ۴۲۵)

روزگاری رحیم را دیوانه‌وار دوست داشتم. (همان: ۴۲۶)

منفعل‌نمایی محبوبه:

الحق که خوب اسمی رویت گذاشته‌اند. (همان: ۴۲۶)

خدا او را به جای پسر خودم به من داده. (همان: ۴۳۷)

فعال‌نمایی منصور:

منصور از این حرف‌ها هم بلد باشد. (همان: ۴۰۴)

از زندگی و شرکت در شادی دیگران غافل مانده‌ای. (همان: ۴۰۴)

منفعل‌نمایی منصور:

چه تصویری تو را سرگرم کرده. (همان: ۴۰۴)

این دوره متعلق به زندگی آرام محبوبه در کنار منصور است. محبوبه بعد از یک دوره بسیار تلخ و مصیبت‌بار به آغوش زندگی با منصور پناه می‌برد و البته حس دوگانه‌ای نسبت به این زندگی دارد. از طرفی منصور مثل خودش تعلق به طبقه اشرافی دارد و محترمانه با محبوبه برخورد می‌کند و محبوبه به آرامش می‌رسد و از طرفی دیگر نسبت به حس خود در مورد منصور مطمئن نیست. ماجرای خواب محبوبه - که در آن رحیم به صورت منصور و خودش به صورت کوب

می‌نماید. البته در مورد شخصیت‌هایی نظیر پسر عطاءالدوله و زن عطاءالدوله، از نام آنها ذکر در داستان نمی‌آید. از شخصیت‌هایی نظیر رحیم، خجسته، زهت، منصور، نیمتاج، اشرف، هادی، میرزا حسن خان با نام مشخص یاد می‌شود و مادر رحیم، مادر محبوه، پدر محبوه، پدر منصور و مادر منصور بر اساس رابطه نسبتی آنها بازنمایی می‌شوند. این موارد را طبیعی در نظر می‌گیریم و به این هویت‌دهی، در این پژوهش بار انتقادی نمی‌دهیم. بنابراین تحلیل ون لیون (۲۰۰۸: ۴۱) بر متن "Odyssey Race" در اینجا به همان صورت صدق نمی‌کند زیرا که در آن صورت، راوی بر اساس نیت‌مندی طبقاتی بایستی اطرافیان خودش را بیش از اطرافیان رحیم با هویت مشخص بازنمایی نماید که این طور نیست؛ اسم مادر رحیم ذکر می‌شود (زیور) اما در مکالمات محبوه، عمدتاً «خانم» خطاب می‌شود که نمی‌تواند بار انتقادی داشته باشد. در مورد پسرخاله رحیم و پسر و دخترش، نام پسرخاله ذکر نمی‌شود اما اسم پسر او «کرم» و اسم دخترش «کوکب» است. باین حال، این شخصیت‌ها عمدتاً بر اساس رابطه نسبتی‌شان بازنمایی می‌شوند که دقیقاً همانند وضعیتی است که در بازنمایی اطرافیان رحیم رخ می‌دهد. تنها نکته‌ای که باقی می‌ماند تعداد شخصیت‌های اطراف رحیم در مقایسه با محبوه است که در مورد اطرافیان محبوه به شدت بالاتر است و می‌تواند دال بر این باشد که رحیم بی‌اصل و نسبت‌تر است. به این معنا که محبوه در حلقه‌ای از اعضای خانواده و فامیل قرار دارد اما رحیم به اصطلاح عامیانه "بی کس و کار" بازنمایی می‌شود.

اما نکاتی دیگر در رابطه با این شاخص در این رمان وجود دارند. اول این که فضای رمان کاملاً جدا از بافت اجتماعی جامعه است. اکثر موقعیت‌های رمان در خانه شخصی شخصیت‌های رمان اتفاق می‌افتد. همین نکته باعث شده که در نام‌بردن افراد، رابطه نسبتی آنها هم مورد توجه قرار گیرد. نکته بعدی این که در مواردی که به نقش و کارکرد اجتماعی افراد اشاره می‌شود، بیشتر طبقه فرودست بازنمایی می‌شود. اگر از چند مورد بسیار معدود مثل دکتر بودن شوهر خجسته و پدر اشرف‌السادات صرف نظر کنیم، با انبوهی از کارکردهای اجتماعی مواجه می‌شویم که تماماً دلالت بر شغل‌های پایین‌دستی جامعه دارند؛ نظیر کلفت، درشکه‌چی پدرم، دایه‌سیاه پوست داماد، رختشوی محبوه و

پیشتر در تحلیل این شاخص گفته شد که بازنمایی بر اساس کارکرد و نقش در مقایسه با صفت و نسبت از بار

بازنمایی می‌شود، اوج این بحران ذهنی است؛ اما به تدریج دید محبوه مثبت‌تر می‌گردد و آرامش در کنار منصور بیشتر دیده می‌شود.

نکته بارز در تحلیل جدول‌های دوره سوم، میزان بالای شاخص فعال‌نمایی محبوه است. در واقع، در مقایسه با دو دوره دیگر، محبوه از فعال‌نمایی بیشتری برخوردار است. این میزان فعال‌نمایی معنادار است. از یک طرف نشان‌دهنده تسلط بیشتر محبوه در زندگی جدید است و بیانگر دیدگاه نویسنده که نمی‌خواهد محبوه تصویر زن سنتی باشد، از طرف دیگر به آن حس دوگانه نیز بر می‌گردد، به این معنا که محبوه می‌خواهد به مدل مطلوب زندگی خویش دست یابد و به‌خصوص در ابتدای رابطه با منصور، گاهی با این ذهنیت درگیر است که زندگی جدید ادامه زندگی قبلی است.

اما میزان بالای فعال‌نمایی محبوه از زبان منصور نیازمند تبیین دقیق است، زیرا که صرف فعال‌نمایی نمی‌تواند بیانگر مسلط‌بودن و قدرت‌مند بودن باشد؛ محبوه در موقعیت‌هایی فعال‌نمایی می‌شود که مربوط به گذشته است، تا یادآوری شود که او اشتباه کرده که منصور را انتخاب نکرده است، اما در موقعیت‌هایی که مربوط به رابطه کنونی و حال حاضر آنها است، منفعل‌نمایی می‌شود؛ این بدین معناست که نقش او در زندگی مطلوب کنونی کم‌رنگ است، اما در زندگی نامطلوب گذشته پررنگ. از این نظر نقش او شبیه به دوره پیشین است. هم رحیم و هم منصور محبوه را عامل به وجودآوردن اتفاقات ناخوشایند می‌دانند، اما هم در دوره اول که رابطه رحیم و محبوه مطلوب است و هم در دوره سوم در زندگی مطلوب محبوه با منصور، میزان فعال‌نمایی محبوه کمتر است؛ از این جهت است که برخلاف ظاهر رمان، تبعیض جنسیتی بر آن حاکم است؛ در زندگی مطلوب، زن منفعل است. بنابراین، این رمان از خصلت‌رهایی بخشی برخوردار نیست.

هویت‌دهی و کارکردهی

پیشتر گفته شد که بازنمایی کارگزاران اجتماعی با نام مشخص یا بازنمایی آنان بر اساس صفت و نسبت خاصی که دارا هستند، از ماهیت انتقادی برخوردار است. در رمان «بامداد خمار»، به کارگیری این شاخص مستلزم توجه به ظرافت‌های خاصی است. در این رمان، خواننده از نام همه شخصیت‌های مهم و حتی نسبتاً مهم رمان آگاه می‌شود و برای مثال از اسم قصابی که یک‌بار محبوه از آن خرید کرده است، آگاه نمی‌شود که در سبک رمان‌نویسی طبیعی

انتقادی برخوردار است. در تحلیل ون لیون (همان) از متن "Odyssey Race" افراد با پست و مقام دولتی بالا و کارشناسان مخالف مهاجرت بر اساس کارکرد و نقش بازنمایی می‌شوند و در مورد مهاجران بیشتر بر اساس مذهب و ملیت‌شان هویت‌دهی می‌گردند، اما در این رمان، این نسبت به صورت معکوس وجود دارد. یعنی اتفاقاً به کارکرد و نقش اجتماعی طبقه ضعیف‌تر بیشتر اشاره می‌شود. بر اساس خصلت طبقاتی رمان، اطرافیان محبوبه افراد ثروتمندی هستند که چندان به کارکرد اجتماعی‌شان اشاره نمی‌شود. به نظر می‌رسد راوی برای دلپذیرتر نمودن زندگی اشرافی و در عین حال نامطبوع جلوه‌دادن زندگی طبقات فرودست این گونه عمل می‌نماید؛ به این معنا که انگار این فقط افراد فقیر هستند که کار می‌کنند و در مقابل افراد ثروتمندی وجود دارند که نیازی به کارکرد ندارند. این رمان پر فروش که از خوانندگان عام برخوردار است خواننده را غیرمستقیم به سمت «ما» یعنی طبقه اشرافی جلب می‌نماید و از «آنها» یعنی طبقه فرودست جامعه دور می‌کند.

تفکیک کردن

تقسیم کردن افراد چه به صورت تفکیک کردن فردی از فرد دیگر و چه به صورت جدا کردن گروهی از گروه دیگر در رمان «بامداد خمار» استفاده شده است. در سراسر رمان، مخاطب در می‌یابد که در این رمان فقیر و غنی از هم تفکیک می‌شود. محبوبه شخصیت اصلی رمان که روایتگر رمان است مرتب از رحیم و اطرافیانش، «آنها» می‌سازد و از خودش و اطرافیانش «ما» می‌سازد. این تفکیک کردن بر اساس درجه «فقر» و «ثروت» انجام می‌گیرد. تفکیک کردن از اهمیت کانونی در این رمان برخوردار است. چند نمونه از موقعیت‌هایی که نشانگر خودی، غیر خودی کردن است:

وقتی رحیم با ذوق و شوق به محبوبه می‌گوید که از یکی از نجارهای کارهای خانه اعیان و اشراف سفارش کار گرفته است، محبوبه ناراحت می‌شود و می‌گوید: «دلم می‌خواست بگویم یکی از «ما»... یا نمی‌دانم، چیز دیگر، هر چیز دیگر که ممکن بود». (ص ۱۹۶)

وقتی مادر رحیم اصرار دارد که اسم نوه‌اش را انتخاب کند و سرانجام رحیم قبول می‌کند که اسم پسرشان «الماس» - اسم پدر رحیم باشد - محبوبه می‌گوید: «رحیم جان، آخر الماس که اسم غلام سیاه‌هاست! اسم خواجه مادربزرگم بود. من دوست ندارم» و هیچ‌وقت پسرش را

الماس صدا نکرد. (ص ۲۲۷)

محبوبه: «کم‌کم معنی اصالت و مفهوم بی‌استخوان دستگیرم شد». (ص ۲۴۹)

این جملات و موارد متعدد دیگر به خوبی نشان می‌دهد که این رمان خصلت طبقاتی دارد. انسان‌ها بیش از هر چیز به واسطه پول و ثروت است که بازنمایی می‌شوند. برخی از «ما» هستند یعنی پولدارها و برخی از «دیگران» یعنی بی‌پول‌ها. پیام اصلی این رمان پر فروش به خوانندگان، خودی و غیر خودی کردن انسان‌ها، آن هم بر اساس معیار ثروت است و این که همشینی «ما» و «آنها» منجر به مشکلات زجرآوری می‌شود که مسبب این مشکلات، قشر فقیر جامعه است.

باردهی مضاعف

در این شاخص، کارگزاران اجتماعی همزمان در بیش از یک کنش اجتماعی بازنمایی می‌شوند. همانطور که ذکر شد از این شاخص در طبیعی و مشروع جلوه‌دادن رفتارهای کارگزاران اجتماعی استفاده می‌شود. نویسنده رمان «بامداد خمار» به شدت از این تکنیک برای مشروع و طبیعی جلوه‌دادن نابرابری‌ها استفاده نموده است.

حوادث رمان متعلق به گذشته است، اما در شرایط حاضر برای سودابه و در آستانه تصمیم او به ازدواج روایت می‌شود. در واقع، شخصیت‌ها از «+ معاصر» به «- معاصر» تبدیل می‌شوند. اما همچنان به فعالیت‌هایی می‌پردازند که واجد مشخصه «+ معاصر» است. نویسنده رمان نیز از برداشت خوانندگان رمان در شبیه‌سازی حوادث رمان که متعلق به گذشته است با موقعیت کنونی جامعه ایرانی خبر می‌دهد. (جهان کتاب، ۱۳۷۵: ۶) برای مثال نویسنده رمان با بیان این که خجسته پیانو می‌زند یا زبان فرانسه را روان صحبت می‌کند، همچنین توصیفات مشابه در مورد ناهید و منوچهر و اشاره به تحصیلات خارجه پدرش و بیان مکرر رواج کتاب‌خوانی در خانواده محبوبه، سعی دارد به خواننده امروزی در شبیه‌سازی موقعیت گذشته رمان با موقعیت کنونی یاری رساند. در این صورت، مثلاً بسیاری از موارد نابرابری جنسیتی، طبیعی می‌نماید؛ زیرا با توجه به این که داستان مربوط به اوایل دوره رضاشاه است، این که به عنوان مثال شخصیت‌های زن رمان در محیط خانه بازنمایی می‌شوند یا دارای کارکرد و نقش اجتماعی مشخصی نیستند، طبیعی جلوه می‌دهد و در عین حال، رمان به گونه‌ای تنظیم می‌شود که دختر امروزی با شخصیت اصلی رمان، همزادپنداری داشته باشد.

بحث و نتیجه گیری

مشخص می‌شود که برخلاف انتظار، اتفاقاً شخصیت‌های متعلق به طبقه فقیر بیشتر بر اساس کارکرد و نقش اجتماعی بازنمایی شده‌اند، منتها با توجه به این‌که کارکرد اجتماعی محصور به شغل‌های کم‌درآمد با جایگاه اجتماعی پایین می‌شوند، قصد راوی از این کار این بوده است که در راستای نگاه طبقاتی خود، مطبوع‌بودن زندگی ثروتمندان را بیشتر به رخ بکشد. علاوه بر این، بررسی شاخص تفکیک‌کردن بیانگر آن است که دسته‌بندی "ما" و "آنها" بر محور نگاه طبقاتی در رمان وجود دارد.

با وجود روایت جذاب رمان، تحلیل گفتمان انتقادی ما را قادر می‌سازد که نگاه متفاوتی به رمان داشته باشیم. پژوهش‌های آتی می‌توانند در تلاقی مطالعات سبکی ادبی و تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی رمان‌ها پردازند. بدین معنا که مشخص شود ابزارهای تحقیق مورد نظر ون لیوون در سبک‌های مختلف رمان مانند رئالیسم، سوررئالیسم، پست‌مدرنیسم و ... چگونه عمل می‌کند. برای مثال، آیا تفاوتی در نحوه اعمال شاخص فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی در رمان رئالیستی و پست‌مدرنیستی وجود دارد؟

در این مقاله، رمان «بامداد خمار» را براساس شاخص‌های پژوهش ون لیوون حول دو پرسش اصلی بررسی نمودیم. بررسی شاخص فعال‌نمایی و منفعل‌نمایی نشان می‌دهد مبارزه محبوبه برای بهبود زندگی خویش در میزان بالای فعال‌نمایی محبوبه در دوره دوم و سوم بررسی رمان نمایان است. از طرفی دیگر، میزان بالای فعال‌نمایی محبوبه از سوی رحیم و منصور بیشتر در جهت مقصر نشان‌دادن او در به وجود آوردن وضعیت نامناسب است و محبوبه از زبان آنها در موقعی که وضع زندگی‌شان مطلوب است، از فعال‌نمایی کمتر برخوردار است و در موقعیت مطلوب، محبوبه منفعل است. بررسی شاخص باردهی مضاعف نیز نشان می‌دهد که انتقال شخصیت‌ها به "معاصر" و در عین حال وجود نشانه‌هایی برای همزادپنداری خواننده معاصر، این امکان را می‌دهد که تبعیض جنسیتی طبیعی جلوه نماید. بنابراین برخلاف ظاهر رمان، تبعیض جنسیتی برآن حاکم است و دارای خصلت‌هایی بخشی برای زنان نیست. همچنین، در بررسی شاخص کارکرد و نقش در مقابل هویت خاص،

References

- Fairclough, N. (2008). *Critical discourse analysis*, Shayesteh Piran, Fatemeh et al, Trans, Tehran, Bureau of media studies and planning.
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*, Harlaw: Longman
- Fowler, R. (1991). *Language in the news: Discourse and Ideology in the Press*. London: Routledge.
- Ghanbari Abodmaleki, R., Firoozian Poorestehani, A. (2021). critical discourse analysis of Alavi's novel Her Eyes based on Norman Fairclough's theory, *Zabanpazhouhi Quarterly*, 40, 115-142 [in Persian]
- Ghanbari, L. (2003). a comparison of contemporary short stories of teenagers and adults based on critical discourse analysis, *MA thesis*, Shiraz university. [In Persian]
- Haj Seyyed Javadi, F. (1996). I have not defended the rich. *Jahan-e Ketab*, 19, 4-6. [in Persian]
- Haj Seyyed Javadi, F. (2010) [1995]. *Bamdaad-e Khomaar* (Dawn of lassitude), Tehran, Alborz Publications. [in Persian]
- Halliday, M. A. K. (1985). *An Introduction to Functional Grammar (1st ed)*. London: Edward Arnold.
- Mirzabayati, M., Alavimoghadam, M., Estaji, E., & Shahpar Rad, K. (2019). critical discourse analysis of power in first section of the the novel the spent lives of old people by Dowlatabadi based on Firclough's theoretical framework, *contemporary Persian literature*, Ninth year, No2, 358-363. [in Persian]
- Noroozi, F. (2005). representation of women in narratives based on critical discourse analysis, *MA thesis*, Shiraz university. [In Persian]
- Van Dijk, T. A. (2003). *studies in discourse analysis*, Izadi, Pirooz et al, Trans, Tehran, Bureau of media studies and planning. [in Persian]
- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and Practice: New tools for Critical Discourse Analysis*, Oxford: Oxford University Press.

Yarmohammadi, L. (2004). *discourse analysis and critical discourse analysis*, Tehran, Hermes. [In Persian]

Yarmohammadi, L. (2006). *communication through the lens of critical discourse analysis*, Tehran, Hermes. [In Persian]